



اطلاع‌شناسی

HERMENEUTIC

چکیده

مفهوم هرمنوتیک به منزله شاخه‌ای خاص از دانش، مربوط به دوران مدرنیته است. واژه یونانی Hermeneutike از زمان افلاطون به‌کار می‌رفته اما معادل لاتینی آن، یعنی Hermenutice، از قرن هفدهم به بعد تداول یافته است.

در دوره معاصر، هرمنوتیک فلسفی بر این نکته تأکید دارد که مفسر در فهم خود پی‌طرف نیست؛ بلکه افق معنایی مفسر و ذهنیت و پیش‌دوری‌های او دخالت دارد و اینکه افق معنایی حادثه یا متن بدون دخالت ذهنیت مفسر فراتر از آید انتظاری بیجا و نامعقول تلقی شده است. دانش اطلاع‌رسانی و مؤلفه‌هایی از آن نیز چون نمایه‌سازی، بازیابی اطلاعات، ربط، و مانند آن از یک سو با اظهارات و تجلیات انسانی معناداری سروکار دارد که باید به واسطه عاملی فهم‌کننده درک شود؛ و از سوی دیگر این عامل فهم‌کننده، خود در مجموعه‌ای از معانی، ارزش‌ها، و نگرش‌هایی به سر می‌برد که باید به آنها توجه شود. از آنجا که ممکن است برخی مطالب مرتبط با مباحث رایج هرمنوتیک در این حوزه نیز راه یافته باشد مقاله حاضر قصد دارد تا زمینه‌های مشترک بازیابی اطلاعات را در چرخه هرمنوتیکی مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: هرمنوتیک، بازیابی اطلاعات، ربط، چرخه هرمنوتیک.

هرمنوتیک و بازیابی اطلاعات

دکتر نرگس نشاط



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

هرمنوتیک و بازیابی اطلاعات

دکتر نرگس نشاط^۱

مقدمه

هرمنوتیک^۲ طی چند قرن اخیر توانسته است به صورت شاخه‌ای مستقل در حوزه تفکر بشری جایگاه ویژه‌ای احراز کند. امروزه مستفکران برجسته و فراوانی درباره هرمنوتیک پژوهش می‌کنند و همه‌ساله رسائل و مکتوبات متنوعی در این زمینه معرفتی به بازار اندیشه عرضه می‌شود. افزون بر اینکه، هرمنوتیک قرن بیستم این بخت و اقبال را داشته است که دستاوردهای فکری خویش را به دیگر حوزه‌های دانش تسوی بخشد و عالمان دیگر شاخه‌های معرفتی را تحت تأثیر قرار دهد و پرسش‌ها و بحث‌های تازه‌ای را در آن عرصه‌ها پی‌افکند.

مفهوم هرمنوتیک به منزله شاخه‌ای خاص از دانش، مربوط به دوران مدرنیته است. واژه یونانی Hermeneutike از زمان افلاطون به کار می‌رفته، اما معادل لاتینی آن، یعنی Hermenutice، از قرن هفدهم به بعد تداول یافته است. به همین سبب، بررسی تاریخچه هرمنوتیک را از قرن هفدهم آغاز می‌کنند و دوران پیش از آن را "پیش تاریخ" هرمنوتیک می‌نامند (واعظی، ۱۳۸۰، ص ۲۳). البته چه قبل و چه بعد از این تاریخ، همواره اندیشه‌ها و آرای و وجود داشته که با نام رسمی هرمنوتیک عرضه نشده‌اند، ولی

۱. اسنادیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی

narges_neshat@yahoo.com

2. Hermeneutics

درونمایه هرمنوتیکی داشته‌اند. مراد از این درونمایه آن است که این آراء با برخی گرایش‌های هرمنوتیکی هم‌نواپی و سازگاری داشته‌اند؛ به‌طور مثال، هرگاه اندیشمندی به تفسیری بودن فهم بشر معتقد باشد به دیدگاه هرمنوتیک فلسفی هایدگر^۱ و گادامر^۲ نزدیک شده، و از این جهت، عقیده‌ای هرمنوتیکی را بیان کرده است؛ هرچند هرگز در آثار خویش نامی از هرمنوتیک به میان نیاورده باشد.

در دوره معاصر، هرمنوتیک فلسفی بر آن تأکید دارد که مفسر در فهم خود بی‌طرف نیست؛ بلکه افق معنایی مفسر و ذهنیت و پیش‌داوری‌های او دخالت دارد و اینکه افق معنایی حادثه یا متن، بدون دخالت ذهنیت مفسر فراچنگ آید انتظاری بی‌جا و نامعقول تلقی شده است.

دانش اطلاع‌رسانی و مؤلفه‌هایی از آن نیز چون نمایه‌سازی، بازیابی اطلاعات، ربط، و مانند آن از یک‌سو با اظهارات و تجلیات انسانی معناداری سر و کار دارد که باید به‌واسطه عاملی فهم‌کننده^۳ فهمیده شود؛ و از سوی دیگر، این عامل فهم‌کننده مقولات انسانی خود در مجموعه‌ای از معانی، ارزش‌ها، و نگرش‌هایی به سر می‌برد که باید به آنها توجه شود. بنابراین، از آنجا که ممکن است برخی مطالب مرتبط با مباحث رایج هرمنوتیکی در این حوزه نیز راه یافته باشد؛ مقاله حاضر قصد دارد تا زمینه‌های مشترک بازیابی اطلاعات و مباحث پیشگفته را بررسی کند.

چرخه هرمنوتیکی بازیابی اطلاعات

نظام‌های بازیابی اطلاعات، از هر نوع و در هر سطح از پیچیدگی، هدف بنیادی مشترکی را دنبال می‌کنند و آن ارائه مدرک یا اطلاعات مرتبط با درخواست یا نیاز اطلاعاتی استفاده‌کننده آن نظام‌هاست. هدف نظام‌های بازیابی اطلاعات بازیابی همه اطلاعات مرتبط، در عین پرهیز از بازیابی اطلاعات غیرمرتبط است، و مفهوم ربط در واقع هسته کلیه فعالیت‌های طراحی نظام‌های اطلاعاتی و ارزیابی این نظام‌ها به‌شمار می‌رود.

اسپیر و ویلسون^۴ (۱۹۸۶) معتقدند که در هر مکالمه، تفسیر آنچه فردی می‌گوید عبارت از افزودن گمان‌ها یا انگاره‌های طرح شده توسط آن فرد به مجموعه تصوراتی است که از قبل در ذهن شنونده وجود داشته است. این مجموعه پیشین "زمینه" خوانده می‌شود. زمینه، در واقع، ساختاری است که در بردارنده انگاره‌های شنونده در آن زمان

معین است. از آنجا که هر انگاره جدید که به فردی ارائه می‌شود ممکن است تصورات ذهنی او را تغییر دهد، زمینه حالتی پویا دارد که با ادامه سخنان گوینده تغییر می‌کند. آنچه فرد می‌شنود می‌تواند آثاری بر زمینه ذهنی او بر جای بگذارد. نخست، انگاره‌های پیشین زمینه و انگاره‌های ارائه شده در سخنان گوینده می‌توانند انگاره‌های جدیدی به وجود آورند. به این ترتیب، اطلاعات قبلی و جدید برای خلق اطلاعات نو با هم در می‌آمیزند؛ دیگر اینکه انگاره جدید ممکن است یک یا چند انگاره پیشین را از زمینه بزدايد؛ و سوم اینکه انگاره جدید ممکن است موجب تقویت یا تضعیف یک یا چند انگاره موجود در زمینه گردد. علاوه بر این، ممکن است اطلاعات جدید هیچ اثری بر زمینه نداشته باشند، یعنی انگاره‌های موجود در زمینه را به هیچ صورتی تغییر ندهند. به بیان دیگر، میزان مربوط بودن یک انگاره به یک زمینه، به وسعت این اثرگذاری بستگی دارد. هر چند این نظریه در حوزه روابط انسانی مطرح شده است، اما در بازیابی اطلاعات نیز قابل استفاده است.

بانک‌های اطلاعاتی (به صورت کتابشناختی، رقومی، و ...) و شکل‌های دیگر دانش بازنموده شده، مانند نظام‌های خبره، همگی بر اثر عینیت‌یافتن پیش درک‌های خاص پدید آمده‌اند. افق معنایی و حوزه آنها باید با جامعه حرفه‌ای مشترکی پیوند داشته باشد؛ موضوعی که پیش از ورود اجزاء اطلاعاتی به درون نظام رایانه‌ای باید به روشنی بیان شود. نظام محض وجود ندارد، همان‌طور که اطلاعات محض نیز موجود نیست. طرح‌های طبقه‌بندی و شیوه‌های نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی فقط دامنه تفسیر اجزاء را محدود می‌کنند. هر گفت‌وگویی پیوسته را نیز می‌توان نوع خاصی از روند هرمنوتیکی تلقی کرد. در یک سو دامنه معینی از نظام و در سوی دیگر، افق دید یا دامنه گسترده پرسشگر قرار دارد. در طول مدت گفت‌وگو، "پیوند افق‌ها" در سطوح مختلف شکل می‌گیرد؛ از جمله توصیف‌گرها، محتوای چکیده‌ها، رده‌بندی، و مانند آن. شباهت جزئی موجود یا "پیوند" موجود میان افق معنایی پرسشگر و دامنه عینیت‌یافته نظام به وسیله پیش‌درک‌های جست‌وجوگر، پرسش او، و روش تحقیق وی مشخص می‌گردد. هر قدر که نظام با پیش‌درک‌های کاربر همسو باشد، پاسخ یا پیوند نزدیک‌تری شکل می‌گیرد. گفت‌وگو در هرمنوتیک حاوی بنیادی‌ترین معانی است و زبان یک نظام برآمده از نشانه‌های بیهوده تلقی نمی‌شود، بلکه تطوّر و تحول در گفت‌وگو صورت می‌گیرد و مشترکات در مبادله اظهار و دریافت است که حاصل می‌گردد (حیدری، ۱۳۸۲، ص ۴۱). این

فرایند را می‌توان با بیانی که هایدگر از تجزیه و تحلیل ساختار فهم دارد بدین صورت همسو ساخت که تفسیر متن بدون یک سلسله پیش‌فرض‌هایی که پیش‌داشت‌های ذهنی کاربر را تشکیل می‌دهد امکان‌پذیر نیست. هر کاربر در شرایط خاص تاریخی قرار گرفته و دارای تجارب و علایق ویژه‌ای است که افق فکری او را آشکار می‌سازد (هایدگر، ۱۹۶۲). همین که مدرک خاصی از میان انبوه مدارک انتخاب و مدارک دیگر کنار گذاشته می‌شود ریشه در پیش‌ساختارهای فهم بشر دارد. هیچ کاربری با ذهنی خالی با متن یا مدرک و یا نظام مواجه نمی‌شود و مرتبط دانستن یک متن مبتنی بر آن چیزهایی است که ما از پیش داریم، می‌بینیم و یا می‌شناسیم. بر این اساس، ساختار پیشین فهم سه لایه دارد:

۱. پیش‌داشت^۱ (زمینه)، یعنی چارچوبی که همواره تحت هدایت آن عمل فهم اتفاق می‌افتد؛

۲. پیش‌نگرش^۲ (منظر)، یعنی بصیرت‌هایی که از پیش برای فرد حاصل شده است؛

۳. پیش‌دریافت^۳ (شیوه)، یعنی چیزی که از قبل تصور و دریافت شده است.

بنابراین، چنانچه ملاحظه می‌شود برای ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی حوزه دانش و چارچوبی که در آن بتوان اطلاعات را یافت باید از قبل تشریح شود. اصطلاحات در یک اصطلاحنامه (تزاروس) عینیت پیدا کرده‌اند. توصیف‌های کتابشناختی، چکیده‌ها، توصیف‌گرها، و نمادهای رده‌بندی که جانشین مدرک هستند همگی به‌عنوان پیش‌درک‌های عینیت‌یافته تلقی می‌گردند. در هر نظام ذخیره و بازیابی، ما از یک سو با پیش‌درک‌های عینیت‌یافته مواجه‌ایم و در سوی دیگر پرسشگر یا کاربر را مشاهده می‌کنیم که عناصر زیر را در بر دارد: مسئله، یعنی مشکلی که فرد با آن روبه‌رو است و برای حل آن نیاز به اطلاعات دارد؛ نیاز اطلاعاتی، که تجلی کنجکاوی ذهنی کاربر است و با مسئله متفاوت است؛ و درخواست و پرسش، که بیان نیاز اطلاعاتی وی به صورت کلامی یا با زبان سیستم است.

هر فهم در بستری خاص آغاز می‌شود. به‌طور مثال، ادراکی که ما از کتابخانه یا پایگاه اطلاعاتی داریم موجب می‌شود که نسبت به ابزارهای آن آگاهی پیدا کنیم. پیش‌داشت، زمینه کلی آگاهی ما نسبت به امور و پدیده‌هایی است که می‌خواهیم آن را بیابیم. پیش‌داشت فقط نوعی آگاهی کلی به ما می‌دهد، نه آنکه زمینه‌ساز آگاهی‌های جزئی باشد. در لایه دوم، پیش‌نگرش، کاربر را درگیر شناسایی امور جزئی می‌سازد و موجب

1. Fore having
2. Fore sight
3. Fore conception

می‌گردد که وی ذهن خود را متوجه آن چیزی کند که به دنبال دریافت آن است. سومین لایه، یعنی پیش‌دریافت، نشان‌گر انتظاراتی است که کاربر یا پرسشگر از فهم و آگاهی نسبت به موضوعی خاص دارد (هایدگر، ۱۹۶۲، ص ۱۹۱-۱۹۳) در واقع، کاربر با تفسیر متن بازیابی شده و تأیید یا رد آن، پیش‌فهمی را که نسبت به متن یا هر واقعیت دیگری دارد آشکار می‌سازد.

فرایند بازیابی اطلاعات نیز در اصل فرایندی هرمنوتیکی است زیرا از سویی با پیشینه و بستر زندگی جست‌وجوگر - یعنی مجموعه‌ای از معانی، ارزش‌ها و نگرش‌ها - سروکار دارد و از سوی دیگر، با مردمی مرتبط است که انواع گوناگونی از تجلیات زبان‌شناختی معنی‌دار^۱ را در قالب رفتار، آثار، و متن عرضه می‌کنند؛ مانند اصطلاحنامه، کلیدواژه‌ها، طرح‌های رده‌بندی، و مانند آن. در این جریان، کاربر باید نخست حیات مشترکی را مورد توجه قرار دهد که هم متن و هم خود او در قبال موضوع مورد نظر با یکدیگر سهیم هستند. در همه موارد، علایق خاص کاربر است که سیر تأیید یا رد آنچه را متن بیان می‌کند معین می‌سازد. بنابراین، انتظارات وی به همراه با پیش‌دانسته‌های او بر ماهیت و جهت‌گیری این فرایند حکم می‌راند.

چرخه هرمنوتیکی این فرایند را همچون روندی پویا در نظر می‌گیرد که میان افق‌های فکری پیوند برقرار می‌کند. تفکر هرمنوتیکی با دیالکتیک سقراطی نیز قرابت دارد. این دیالکتیک چیزی نیست که در آن هر تزی از راه تقابل آن با وضع مقابل (آنتی‌تزی) خود به ارتقا برسد، بلکه دیالکتیکی است که میان افق شخصی آدمی و سنت‌های فرهنگی^۲ او پیوند می‌زند (گادامر، ۱۹۷۵).

روندی که در آن اظهارات یا دلالت‌ها^۳ به منزله پاسخ به پرسش‌ها در نظر گرفته می‌شوند. پرسش‌ها از پیش‌داشت ذهنی^۴ فرد سرچشمه می‌گیرند که خود نتیجه مورد سؤال واقع شدن و مانند آن است.

پویایی این روند را در نگرش سقراطی در باب پرسشگری نیز می‌توان یافت. آنچه استهزای سقراطی نامیده‌اند در واقع طریقه‌ای بود، که برای اثبات سهو و خطا و رفع شبهه از اذهان داشته است. به وسیله سؤال و جواب و مجادله، پس از آنکه خطای مخاطب را آشکار می‌ساخته، باز به همان ترتیب مکالمه و سؤال و جواب را دنبال می‌کرده تا به کشف حقیقت نزدیک شود (فروغی، ۱۳۴۴، ص ۱۶). یافتن تعریف صحیح در حکمت سقراط کمال اهمیت را دارد. وی برای رسیدن به این تعریف، شیوه

1. Linguistic expression
2. Traditions
3. Statements
4. Preunderstanding

استقرا را به کار می‌برد، یعنی در هر باب شواهد و امثال از امور عادی جاری می‌آورد و آنها را مورد تحقیق و مطالعه قرار می‌داد و از این جزییات تدریجاً به کلیات می‌رسید و پس از دریافت قاعده، آن را بر موارد خاص تطبیق می‌داد. در واقع، پس از استقرا به استنتاج و قیاس نیز دست می‌یافت. کاپورو^۱ اظهار می‌دارد که پیش‌فهم جست‌وجوگر در پیشینه ذهنی گروه قرار دارد که خود بخشی از لایه‌های به هم پیوسته‌ای از موضوعات و مسائل خرد و کلانی است که در عالمی مشترک (مانند گروه شغلی یا حرفه‌ای) پدید آمده است. این مسائل و موضوعات در ساحت گشودگی عالم^۲ معنا می‌یابد (کاپورو، ۲۰۰۲).

ظرفیت ما برای ایجاد نظام‌های اطلاعاتی منطقی بیشتر به بصیرت ما نسبت به پیش‌درک‌های جامعه حرفه‌ای بستگی دارد. سوانسون^۳ (۱۹۸۵) معتقد است که فرایند بازیابی اطلاعات را می‌توان با فرایند آزمایش و خطا در پژوهش‌های علمی مقایسه کرد. وی به عقیده پوپر در این باره اشاره می‌کند که پژوهش خلاق با یک مسئله آغاز می‌گردد. یک پژوهشگر باید بیندیشد و نسبت به چیزی که ذهن او را می‌آزارد کنجکاوی کند. هرچند این کافی نیست و حداقل، فرضی مقدماتی برای حرکت علمی لازم است. درست به همین ترتیب، فرایند بازیابی اطلاعات مانند آزمایش یک فرضیه است. ارزش اصلی این فرایند در به‌کارگیری بی‌واسطه مدارک بازیابی شده نیست، بلکه بیشتر ارزش آن به عمل غیرمستقیمی است که به طرح مجدد یک پرسش می‌انجامد. یک پرسش (...)

یک فرض است ... که از طریق بررسی مدارک بازیابی شده آزمایش می‌شود. البته بر این نظر سوانسون انتقادهایی از سوی برخی صاحب‌نظران از جمله ساراسویک^۴، هارتر^۵، کاپورو، و سالتون^۶ مطرح شده است. به‌طور مثال، هارتر مقایسه فرایند بازیابی اطلاعات را با مفهومی که یک پژوهش علمی از آزمایش و خطا ارائه می‌کند کار درستی نمی‌داند، زیرا هدف غایی از هر پژوهش علمی کمک به دانش و دریافت‌های ما از خود و جهان پیرامون است. حال آنکه هدف از بازیابی اطلاعات به‌صورت پیوسته، دامنه بسیار محدودتری را دربرمی‌گیرد. به‌نظر وی نتایجی که از بازیابی اطلاعات به‌دست می‌آید الزاماً بخشی از دانش پایه یا فرضیه‌ای مهم نیستند، در حالیکه یافته‌های پژوهش چنین کاربردی دارند (هارتر، ۱۹۸۴، ص ۱۱۱).

سالتون (۱۹۸۳) نیز در اثر خود به نام «درآمدی بر بازیابی نوین اطلاعات» اظهار می‌دارد که میان ارتباط نظام‌مدار^۷ (عینی) و ارتباط کاربرمدار^۸ (ذهنی) تفاوت وجود دارد. البته غرض جبهه‌گیری دو جناح نیست، بلکه مسئله این است که چگونه می‌توان

1. Capurro
2. Worl Openness
3. Swanson
4. Saracevic
5. Harter
6. Salton
7. System-oriented
8. User-oriented

بهترین ویژگی‌های این دو رویکرد را یکپارچه و همسو ساخت. به عبارت دیگر، نکته مهم محور قراردادن انسان برای ساخت الگوریتم‌های بهتر و بهره‌گیری از مزیت‌های نظام‌های بازیابی اطلاعات است. بنابراین، با توجه به ارتباط عنوان مدار^۱ و مسئله مدار^۲ باید از این تفکیک خودداری کرد؛ همان‌طور که - حتی به مقدار اندک - نمی‌توان کاربرد را از جامعه جدا دانست؛ پیشرفت واقعی در علم اطلاع‌رسانی، و بالمآل در بازیابی اطلاعات، زمانی روی خواهد داد که به این مسئله توجه کنیم.

برخی متخصصان اطلاع‌رسانی با ایجاد قلمروی شناختی از روند بازیابی اطلاعات، آن را فرایندی تفسیری قلمداد کرده‌اند، به‌خصوص در جایی که ساختارهای ذهنی پرسشگر فعالانه در تعامل با نظام قرار می‌گیرد (آلن^۳، ۱۹۹۱؛ کاپورو، ۱۹۸۵). علی‌رغم رویکردهای متفاوت در این زمینه، یک وجه مشترک در همه آنها وجود دارد و آن این که پرسش نقش بسزایی هم در ترسیم برداشت ما از متن و هم در میزان گشودگی ما ایفا می‌کند. بدون پرسش کردن چنین تجربه‌ای متصور نیست. حتی تشخیص اینکه موضوعی تغییر کرده و همان موضوع سابق نیست مسبوق به این پرسش است که آیا موضوعی که قبلاً به آن می‌اندیشیده‌ایم این است یا آن؟ بنابراین، این پرسش است که ما را به سوی پاسخ هدایت می‌کند. پرسش، هم گشودگی به سوی موضوع را به دنبال می‌آورد و هم به نوبه خود محدودیت زاست؛ زیرا آنچه از یک متن فهمیده می‌شود توسط پرسشی هدایت شده که خود برگرفته از پیش‌فرض‌های خاصی است. بنابراین، فرایندی که بازیابی اطلاعات تلقی می‌گردد، جست‌وجوی پرسشی است که متن یا نظام درصدد پاسخ به آن است. پاسخ به پرسشی که در افق معنایی کاربر محاط شده و این امکان وجود ندارد که کاربر خود را یکسره از علائق و پیش‌دانسته‌ها، پرسش‌ها، و انتظارات خویش رها سازد و این قاعده‌ای هرمنوتیکی است. هرمنوتیک وجودی می‌تواند مانند یک پادزهر با ذهن‌گرایی^۴ در علم اطلاع‌رسانی مقابله کند. در اینجا می‌توان فرضیه سوانسون دربارهٔ "آیندهٔ موهوم"^۵ را بیان کرد هنگامی که اظهار می‌دارد: "نمی‌توان شرح کاملی از نیاز اطلاعاتی را در قالب کاوشی پرسشگرانه ارائه داد، زیرا نیاز اطلاعاتی از انگاره‌های بی‌شماری تشکیل یافته که خود آنها نیز به‌طور کامل قابل توصیف نیستند. علاوه بر آن، پیشینهٔ اطلاعاتی خود پرسشگر نیز در میان چیزهای دیگر جایگاه خود را دارد" (سوانسون، ۱۹۸۸). بنابراین، نیاز اطلاعاتی ایستا نیست، بلکه نوعی موقعیت شناختی است که فرد هر لحظه در آن قرار می‌گیرد و، در واقع، لحظه به

1. Topic-oriented
2. Problem-oriented
3. Allen
4. Mentalism
5. Future of an illusion

لحظه نو می‌شود. بیان کلامی نیاز اطلاعاتی، یعنی اظهار این موقعیت شناختی که مجموعه‌ای از انگاره‌هاست، اگر نه غیرممکن، فوق‌العاده دشوار است؛ و اگر قادر به این کار هم باشیم، آنچه بیان می‌شود در معرض تغییرات فراوان است؛ البته افراد می‌توانند با ساختن عبارت‌های کلامی، نیاز را برای نظام اطلاعاتی مطرح کنند، اما چنین عبارت‌هایی با اصل نیاز اطلاعاتی بسیار متفاوت است. نیاز اطلاعاتی، درست مانند موقعیت شناختی فرد، نه تنها شامل بیان موضوع مورد درخواست وی، بلکه شامل سایر انگاره‌های موجود در "زمینه" نیز هست. این‌گونه انگاره‌ها ممکن است شامل چنین پرسش‌هایی باشند: چه قدر در مورد این موضوع می‌دانم؟ چه عناصری از گذشته و محیط من با این درخواست در ارتباط است؟ از نظر کلامی، ریاضی، و تحلیلی چه مهارت‌هایی دارم؟ و این مهارت‌ها بر تفسیر من از منابعی که جایابی می‌کنم چگونه اثر خواهد گذاشت؟ در مورد مباحث وابسته چه می‌دانم و چه می‌خواهم بدانم؟ و از این قبیل. هرچند که مصاحبه‌مرجع پاره‌ای از این پرسش‌ها را تا حدی روشن می‌کند؛ لیکن هر تفاهمی که از این طریق حاصل شود ناقص و سطحی است. چنان‌که از مطالب یاد شده برمی‌آید، بیان کامل و دقیق نیاز اطلاعاتی به هیچ‌وجه ممکن نیست و ما ناگزیریم به بیانی تفسیری از نیاز اطلاعاتی بسنده کنیم و این بیان نارساتر از آن است که صرفاً با ارائه آن بتوانیم پیش‌بینی کنیم که مدارک مطابق با نیاز اطلاعاتی فرد بازیابی خواهد شد. اطلاعات پدیده ناملموسی است که به مفهوم‌سازی و درک وجود انسانی بستگی دارد. منابع دربردارنده‌ی واژه‌ها یا تصاویر (ملموس) مجرد هستند، و تنها نسبت به کاربر است که ارزش می‌یابند. اطلاعات با تعامل میان متن و خواننده، و مدرک و کاربر همراه است (تاگ سات کلیف^۱، ۱۹۵۵، ص ۱۱-۱۲). آنچه هنگام بازیابی اطلاعات انجام می‌گیرد در واقع، تفسیر آنهاست که نه تنها به شکل عقلانی بلکه به شکل وجودی تفسیر می‌شوند. به همین سبب است که سوانسون بازیابی اطلاعات را استعاره‌ای گمراه‌کننده تلقی می‌کند (کاپورو، ۲۰۰۲).

بنابراین، بازیابی اطلاعات متضمن تعامل کاربران به همراه تمامی جنبه‌های بافتی - شناختی، اثرگذار، و بستری است که تعامل را دربرمی‌گیرد. هرمنوتیک می‌تواند چارچوب ثمربخشی را برای نظام‌های مفروض و معیارهای کاربران ارائه دهد، مشروط بر آنکه کاربران، تفسیر آنها از مجموعه اطلاعاتی، و میانجی‌گری^۲ درون نظام را دربرگیرد و بر آن نظر کند (کاپورو، ۱۹۸۶).

1. Tague-sutcliff

3. Mediation

مفهوم ربط در چرخه هرمنوتیک

در عرصه علم اطلاع‌رسانی، ربط شاخص یا معیاری است که کارایی تبادل اطلاعات میان افراد (یعنی کاربران) و نظام‌های بازیابی اطلاعات را در تماس‌های ارتباطی و براساس ارزش‌گذاری توسط افراد نشان می‌دهد. با در نظر گرفتن ربط به‌عنوان معیار، و قضاوت‌های افراد دربارهٔ ربط موارد بازیابی شده به‌عنوان ابزار سنجش، مقیاس‌های جامعیت و مانعیت به‌طور گسترده در ارزیابی نظام‌های بازیابی اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد. نکتهٔ اساسی این مقیاس در این است که افراد – کاربران – را به‌عنوان داوران کارآمدی عملکرد نظام لحاظ می‌کنند. این امر متضمن قضاوت‌های افراد با تمام ذهنیت‌ها و حتی ناپایداری‌های آنها نیز هست. هارتر (۱۹۹۲) ربط را «میزان مرتبط بودن مدرک با نیاز اطلاعاتی» دانسته است. میزارو^۱ نیز ربط را ارتباط میان دو عنصر از دو گروه می‌داند (میزارو، ۱۹۹۷، ص ۸۱۱). گروه اول شامل سه عنصر زیر است:

۱. مدرک. عنصری فیزیکی که استفاده‌کنندهٔ نظام بازیابی اطلاعات، پس از جست‌وجوی اطلاعات، آن را به‌دست خواهد آورد؛

۲. جانشین مدرک^۲. نماینده‌ای از یک مدرک که ممکن است صورت‌های متفاوتی داشته باشد و می‌تواند یک یا چند مورد از موارد زیر باشد: عنوان، کلیدواژه‌ها، نام مؤلف، اطلاعات کتابشناختی (تاریخ یا محل نشر، ناشر، بر ساخت، و جز آن)، چکیده، و مانند آن؛

۳. اطلاعات. آنچه استفاده‌کننده با مراجعه به مدرک دریافت می‌کند.

گروه دوم شامل عناصر زیر است:

۱. مسئله. مشکلی که فرد با آن روبرو است و برای حل آن نیاز به اطلاعات دارد؛

۲. نیاز اطلاعاتی. تجلی مسئله در ذهن استفاده‌کننده که با مسئله متفاوت است؛

۳. درخواست. بیان نیاز اطلاعاتی استفاده‌کننده.

هستهٔ ربط در نظام‌های بازیابی اطلاعات بر موارد زیر تأکید دارد:

الف. مطابقت، کاربرد، همخوانی، پیوستگی، رابطه، توافق؛

ب. مدرک، مقاله، متن، اطلاعات ارائه شده؛

ج. پرسش، درخواست، اطلاعات مورد نیاز، دیدگاه، کاربرد اطلاعات، و بیان نیاز اطلاعاتی.

درواقع، بند «ب» بیان‌کنندهٔ اطلاعات بازیابی شده است؛ «ج» مبین نیاز اطلاعاتی

1. Mizzaro

2. Document surrogate

استفاده‌کننده آن است؛ و «الف» به خود ربط از نظر ذات و ماهیت آن نظر دارد که همان رابطه میان متن و نیاز استفاده‌کننده‌ای است که آن متن از جهتی برای او مفید واقع می‌شود. مانند اطلاعاتی که دربر دارد یا بصیرتی که در وی پدید می‌آورد.

در هر نظام بازیابی اطلاعات هرگاه موقعیت دانش استفاده‌کننده را مدنظر قرار دهیم کاربرد هر قطعه اطلاعاتی برای استفاده‌کننده اهمیت خاصی می‌یابد. از این دیدگاه، مدرک ممکن است در صورت همخوانی با موضوع مورد درخواست مرتبط تلقی گردد ولی با نیاز استفاده‌کننده منطبق نباشد. در این فرایند، ربط موضوعی عامل مهمی در تعیین منابع مرتبط است اما متغیرهای دیگری نیز که برداشت استفاده‌کننده را از ربط مدارک بازیابی‌شده تحت تأثیر قرار می‌دهد حائز اهمیت است.

لنکستر^۱ (۱۹۷۹) نیز مقولهٔ ربط و انطباق را مورد توجه قرار داده است. وی معتقد است که وجود رابطه میان مدرک و درخواست، در صورتی که توسط استفاده‌کننده قضاوت شود، انطباق نام می‌گیرد و همین رابطه، در صورت قضاوت افرادی به‌جز استفاده‌کننده ربط خوانده می‌شود (لنکستر، ۱۹۷۹، نقل در حریری، ۱۳۸۱). به عقیده سورگل^۲ (۱۹۹۴) هر عنصر زمانی «ربط موضوعی» دارد که بتواند در پاسخ به سؤال مطرح شده مفید واقع شود و زمانی «منطبق با نیاز» است که علاوه بر ربط موضوعی، برای آن استفاده‌کننده خاص مناسب نیز باشد (مثلاً استفاده‌کننده بتواند آن را بفهمد و اطلاعات کسب شده را به کار بندد) و سرانجام هر عنصر، زمانی «کاربرد» دارد که در عین منطبق بودن با نیاز استفاده‌کننده، اطلاعات جدیدی (نه آنچه از قبل می‌دانسته است) برای وی فراهم سازد و دانش پیشین را متحول سازد. تأثیرگذاری افق معنایی در عمل فهم که موجب نسبیّت فهم می‌شود از آن رو است که سوئے کاربردی^۳ را جزء فرایند فهم تلقی کنیم. بنابراین، چنین نیست که فرد نخست اثری را بفهمد و آن‌گاه فهم و تفسیر را بر شرایط کنونی خویش تطبیق دهد، بلکه اثر را منطبق با شرایط کنونی خود می‌فهمد؛ و اگر چیزی ظرفیت انطباق با موقعیت ذهنی وی را نداشته باشد، به فهم او در نمی‌آید و اطلاعات تلقی نمی‌شود؛ یعنی میان افق معنایی کاربر با آن اطلاعات توافقی صورت نمی‌پذیرد و آمیختگی و ترکیبی میان این دو اتفاق نمی‌افتد و واقعه‌ای محقق نمی‌شود (گادامر، ۱۹۷۵، نقل در واعظی، ۱۳۸۰، ص ۳۱۲).

دخالت داشتن سوئے کاربردی در این فرایند توجیه‌گر مفهوم ربط و نسبیّت است که در بازیابی اطلاعات مطرح است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، فرایند اطلاع‌یابی با

1. Lancaster
2. Soergel
3. Application

پرسش آغاز می‌شود؛ پرسشی که برخاسته از موقعیت ذهنی کاربر و افق معنایی فعلی او است. یافتن اطلاعات لحظه‌ای است که پرسش کاربر پاسخ خود را از نظام یا یک اثر بیابد؛ یعنی میان او و نظام توافق حاصل شود. بنابراین، بازیابی چیزی جز پاسخ نظام به پرسش کاربر نیست، و از آنجا که پایانی برای پرسش‌ها وجود ندارد، عمل بازیابی اطلاعات فرایندی بی‌پایان است. این تبیین گویای آن است که این حلقه همواره با پرسش کاربر یا موقعیت هرمنوتیکی او و یا سوئے کاربردی اطلاعات پیوند خورده است. به عبارت دیگر، فهم، ربط، و آنچه از نظر کاربر اطلاعات تلقی می‌گردد تابعی برای متغیر پرسش یا افق معنایی او است؛ و این چیزی جز نسبی‌گرایی^۱ در این چرخه نیست.

در نظام‌های بازیابی اطلاعات، فرض کنیم که اطلاعات کتابشناختی مدارک یا خود مدارک یا هر اطلاعاتی که توسط نظام بازیابی اطلاعات عرضه می‌گردد به عنوان پدیده در نظر گرفته شود. این مدارک یا اطلاعات کتابشناختی مدارک، زمانی برای فرد دارای ربط خواهد بود که همان شرایط ربط در مورد پدیده‌ها را دارا باشد. حال، نیاز اطلاعاتی را همان موقعیت شناختی یا زمینه اولیه‌ای در نظر بگیریم که فرد هنگام استفاده از نظام اطلاعاتی در آن قرار دارد. از این دیدگاه، نیاز اطلاعاتی، در واقع، مجموعه انگاره‌های فرد در هنگام شروع به کاوش است. یعنی همان موقعیت شناختی بی‌که انگیزه درخواست اطلاعات واقع می‌شود.

هائرت نیز عقیده دارد که نیاز اطلاعاتی یا همان زمینه یا موقعیت شناختی پیوسته در حال تغییر است و حتی در حین مطالعه مدارک بازیابی شده از پایگاه اطلاعاتی نیز این تغییر وضعیت شناختی ادامه دارد (هائرت، ۱۹۹۲، ص ۶۰۶). همه افراد شناخت شهودی قوی‌ای از ربط دارند، بنابراین به‌طور شهودی متوجه می‌شوند که بازیابی اطلاعات درباره چیست؟ این امر بازیابی اطلاعات را تنها با شاخص فهم و درک قابل ارزیابی می‌شمارد. به عبارت دیگر، جامعیت و مانعیت در یک نظام بازیابی اطلاعات امری نسبی است و نمی‌توان در مورد آن به‌طور قطعی سخن گفت.

بنابراین، ربط مفهومی نظری است. کاربران مختلف ممکن است نظرهای متفاوتی درباره ربط یا بی‌ربطی مدارک خاص در قیاس با پرسش‌های مطرح شده داشته باشند. ارزیابی‌هایی که کاربران در مورد مرتبط بودن مدارک انجام می‌دهند علاوه بر ارتباط موضوعی مدارک، از عوامل گوناگون دیگری مانند دریافت و تصور استفاده‌کننده از اجزای مدارک، تصویری که استفاده‌کننده از جنبه‌های مختلف کاوش دارد، درک

استفاده‌کننده از گستره مسئله، یعنی زمینه و موقعیت‌شناختی وی اثر می‌پذیرد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که فرایند داوری در باب مرتبط بودن اطلاعات با نیازهای کاربر نیز فرایندی تفسیری است.



مآخذ

- حریری، نجلا (۱۳۸۱). "ربط". دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، ج ۱.
- حیدری، احمدعلی (۱۳۸۲). "گادامر فیلسوف گفت‌وگو". از دیگران.
- ریخته‌گران، محمدرضا (۱۳۷۸). منطق و مبحث علم هرمنوتیک: اصول و مبانی علم تفسیر. تهران: نشر کنگره؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فروغی، محمدعلی (۱۳۴۴). سیر حکمت در اروپا. تهران: زوار.
- نصری، عبدالله (۱۳۸۱). راز متن (هرمنوتیک، قرائت‌پذیری متن ...). تهران: آفتاب توسعه.
- نیچه، فردریش (۱۳۷۹). هرمنوتیک مدرن: گزینه جستارها. ترجمه بابک احمدی. تهران: نشر مرکز.
- نیکفر، محمدرضا (۱۳۸۱). "فهم و پیش‌فهم‌های هرمنوتیک". نگاه نو. دوره جدید، ۱۱ (بهمن): ۳۹-۳۲.
- واعظی، احمد (۱۳۸۰). درآمدی بر هرمنوتیک. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

- Allen, B. L. (1991). "Cognitive research in information science: Implications for design". in Martha E. Williams, ed. *Annual Review of Information Science and Technology*, 26 (199): 1-37.
- Capurro, R. (1985). *Epistemology and information science*. Stockhol, Royal Institute of Technology Library, Report TRITA - LIB-6025. [online] Available: <http://www.capurro.de/trita.htm>.
- Capurro, R. (2002). *Hermeneutics and the phenomenon of information*. [online] Available: <http://www.Capurro.de.ny86.htm>
- Gadamer, Hans-Georg (1975). *Truth and method*. Sheed and Waed Ltd.
- Harter, Stephen. P. (1992). "Psychological relevance and information science". *Journal of the American Society for Information Science*, 43 (9): 602-615.
- Harter, Stephen P. (1984). "Scientific inquiry: A model for online searching". *Journal of the American Society for Information Science*, 35, pp. 110-117.
- Heidegger, Martin (1962). *Being and time*. translated by John Macquarrie and Edward Robinson. London.
- Lancaster F. W. (1979). *Information retrieval systems: Characteristics, testing and evaluation*. New York: John Wiley and Sons, p. 256.
- Mizzaro, Stefano (1997). "Relevance: The whole history". *Journal of the American Society for Information Science*, 48(9): 810-832.
- "Philosophical hermenutics". [online] Available: <http://plato.stanford.edu/entries/gadamer>
- Saracevic, Tefko (1999). "Information science". *Journal of the American Society for Information Science*. 50(12): 1051-1063.
- Salton, G (1987). "Historical note: The past thirty years in information retrieval". *Journal of the American Society for Infomation Science*, 39(5): 375-380.
- Salton, G; McGill, M. J. (1983). *Introduction to modern information retrieval*. New York: McGraw-Hill, p. 176.
- Soergel, D. (1994). "Indexing and retrieval performance: The logical evidence". *Journal of the American Society for Information Science*, 450, pp. 589-599.

Swanson, D. R. (1988). "Historical note: Information retrieval and the future of an illusion". *Journal of the American Society for Information Science*, 39(2): 92-98.

Swanson, D. R. (1980). "Information retrieval as a trial - and - error process". in B. C. Griffith, ed. *Key papers in information science*. New York, Knowledge Industry Publications, pp. 328-348.

Tague-Sutcliffe, J (1995). *Measuring information: The information services perspective*. SanDiego, CA: Academic Press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی